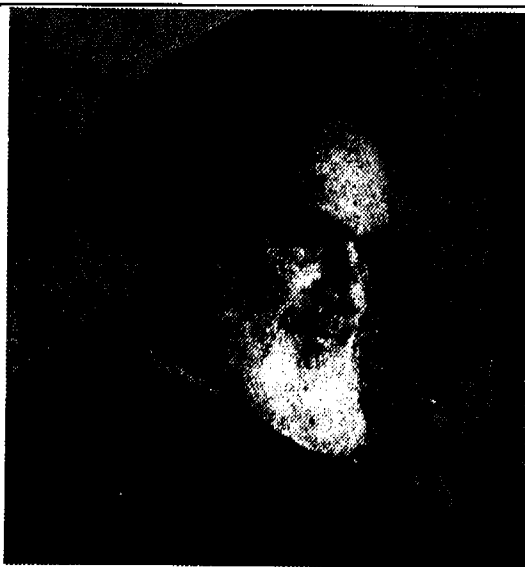


بمناسبت
آغاز

سال
تحصیلی



پیام امام امت

... آموزان، معلمان، اساتید و پدران و
مادران و محصلان فرستادند متن کامل پیام
امام امت بشرح زیر است:

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار
جمهوری اسلامی ایران در آغاز سال تحصیلی
جدید، پیام بسیار مهمی خطاب به دانش

بسم الله الرحمن الرحيم

فرهنگ هر جامعه نشانه هویت آن جامعه
است

بی شک بالاترین و والاترین عنصری که
در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی

در آستانه گشایش مدارس و ورود
دانش آموزان عزیز در محیط علم لازم است
تذکراتی بفرزندان عزیز و مادران و پدران
محترم و ملت معظم ایران داده شود.

دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً "فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل میدهد. و با انحراف فرهنگ هر چند جامعه در بدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی بوج و پوک و میان تهی است اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا میکند و بالاخره در آن مستهلک میشود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست میدهد، استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت میگیرد و ساده اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان پذیر است.

بی جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران که در راس تمام اهداف آنان است هجوم به فرهنگ جوامع زیر سلطه است.

اتفاقی نیست که مراکز تربیت و تعلیم کشورها و از آن جمله کشور ایران از دستان تا دانشگاه مورد تاخت و تاز استعمارگران خصوصاً "غربی‌ها و اخیراً" آمریکا و شوروی قرار گرفت و زبانها و قلمهای غربزدگان و شرقزدگان آگاهانه و ناآگاه و اساتید غرب - زده و شرق زده دانشگاهها در طول مدت تأسیس دانشگاه و خصوصاً "دهه‌های اخیر این خدمت بزرگ را برای غرب و شرق انجام داده‌اند هر چند در بین ارباب قلم و زبان

و اسانید اشخاص منعهد و منوجهی بودند و هستند که برخلاف آن مسیر بودند و میباشند لیکن مع الاسف در اقلیت چشم‌گیر بودند.

تحصیل آموزشهای غربی و شرقی دانشجویان باعث وابسته شدن جامعه ما به ابرقدرتها شد.

هجوم دانشجویان پس از طی کردن دوره‌های تحصیلی با آموزشهای غربی و شرقی در دبیرستانها و دانشگاههای ایران بسوی غرب و اسیانا "شرق که ره آوردی جز فرهنگ غربی و شرقی نداشت چنان فاجعه‌ای بار آورد، که همه ابعاد جامعه ما را بی قید و شرط وابسته بلکه تسلیم به ابرقدرتها کرد. بطوریکه جامعه ما با ظاهری ایرانی، اسلامی محتوایی سرشار از غرب و شرق زدگی داشت و مع الاسف پس از گذشت سه سال از پیروزی انقلاب و مقاومت و ایستادگی جمهوری اسلامی در مقابل شرق و غرب و مکتبهای انحرافی آنان و وفاداری این جمهوری به اسلام بعنوان نفی کننده جمیع وابستگیها به یکی از آنان می‌باشد.

با وجود منحرفین در مراکز آموزشی، خطر منحرف شدن جوانان بسیار است.

و نیز مواجهیم با افرادی که در مراکز تربیت و تعلیم نفوذ کرده‌اند و با مجال دادن به آنان خطر به انحراف کشیدن جوانان و نونهالان بسیار است که خدای

از ایلروست که باید دستگاہهای آموزشی متعدد و دلسوز برای نجات کشور اهمیت ویژه‌ای در حفظ نوپایان و جوانان عزیز که استقلال و آزادی کشور در آینده منوط به تربیت آنان است قائل باشند و نیز از ایلروست که نقش معلمان و اساتید در تربیت و تهذیب دانش‌آموزان و دانشجویان بعنوان اساسی‌ترین و مؤثرترین نقش مطرح میگردد. و همه دیدید که گرایش آنان به شرق و غرب برای کشورمان چه فاجعه‌ها آفرید و دانشگاهها را بصورت دژ محکمی برای خدمت به شرق و غرب درآورد و اکثریت قاطع غرب و شرق‌زدگان این مملکت را بعنوان فارغ‌التحصیل تحویل جامعه داد. معلمان باید جوانان را نسبت به توطئه‌ها آگاه کنند.

اکنون بر معلمان معتمد و مسئول دبستانی و دبیرستانی است تا با کوشش خود جوانانی را تحویل دانشگاهها دهند که با آگاهی از انحرافات گذشته دانشگاه به فرهنگ غنی و مستقل اسلامی ایرانی تکیه کنند و بر اساتید معتمد است تا با باز شدن دانشگاهها در صورت مشاهده انحراف و گرایش جوانان به یکی از دو قطب قدرت و مکر آنان را به توطئه‌ها و شیطنتها آگاه کنند و جوانانی معتمد نسبت به مصالح کشور و آگاه به اهداف اسلام تحویل جامعه دهند و مطمئن باشند که با این خدمت

ناکرده با انحراف و وابسته شدن فرزندانمان به فرهنگ غرب و یا شرق تمام ابعاد جامعه یا وابسته و تسلیم غرب خواهد شد و یا شرق و تمام کوششها و زحمات ملت و خون جوانان و عزیزان آنان به هدر خواهد رفت.

بر فرهنگیان است که آموزش و پرورش را از وجود عوامل فساد پاک کنند.

اکنون بر دانش‌آموزان و دانشجویان عزیز و اساتید و معلمان معتمد است که با تمام توان و قدرت در شناسائی عوامل فساد کوشش کنند و محیط آموزش و پرورش را از لوس وجود آنان پاک نمایند و گمان نشود که این نفوذ فقط برای انحراف دانشگاه است که منحرفین و منافقین برای نفوذ در دبیرستانها بلکه دبستانها اهمیت بیشتری قائلند تا نوجوانان را برای انحراف دانشگاهها مهیا کنند.

آنان می‌دانند اگر نوباوگان در مراکز آموزش تربیت صحیح شوند و حیلدهای استعمارگران را احساس و توطئه‌های همه جانبه آنان را لمس کنند در دانشگاهها برای عمال استعمار توفیق کمتری حاصل میشود و لهذا در دبستانها و دبیرستانها و قبل از ورود به دانشگاهها در ساختن جهاز استعماری شرق و غرب برای ورود به دانشگاهها اهمیت خاصی احساس می‌کنند. استقلال و آزادی کشور در آینده منوط به

استقلال و آزادی کامل میهن عزیزشان
تضمین خواهد شد.



نقش خانواده در تربیت نونهالان و
نوجوانان بسیار حساس است

و از این روست که نقش خانواده و
خصوصاً مادر در نونهالان و پدران در
جوانان بسیار حساس است و اگر فرزندان
در دامن مادران و حمایت پدران منعهد
بطور شایسته و با آموزش صحیح تربیت شده
و به مدارس فرستاده شوند کار معلمان نیز
آسانتر خواهد بود اساساً تربیت از دامن
پاک مادر و جوار پدر شروع می‌شود و با
تربیت اسلامی و صحیح آنان استقلال و
آزادی و تعهد به مصالح کشور پایه‌ریزی
میشود.

پدران و مادران باید مواظب رفتار فرزندان
خود باشند

امروز باید پدران و مادران مواظب
رفتار فرزندان خویش باشند که در صورت
مشاهده حرکات غیرعادی آنان را نصیحت
نمایند تا گول منافقین و منحرفین را
نخورند که در این صورت سعادت دنیوی و
اخروی آنان تباہ می‌گردد مادران و پدران
باید توجه داشته باشند که در سنین دانش
— آموزی و دانشگاهی سالهای شور و هیجان
فرزندانشان می‌باشد و با اندک شعاری جذب
گروهها و منحرفین می‌شوند و نیز جوانان
دبیرستانی با هوشیاری کامل توجه داشته
باشند که عمال اجنبی آنان را حتی با اسم
اسلام راستین به دام شرق و غرب نیاندازند
و توجه کنند آنان که از اسلام راستین دم
می‌زنند خودشان از اسلام چه میدانند و از
قوانین و احکام اسلام چه اطلاعی دارند و
به اوامر و نواهی قرآن کریم و اسلام بزرگ
ناچه اندازه پایبند هستند.

سران گروهکها هیچ اطلاعی از اسلام و
قوانین آن ندارند

جوانان عزیز دبیرستانی و دانشگاهی
توجه کنند که سران گروهها که میخواهند با
اسلام پایدهای آنان را سست کنند و
جوانان را به دام اندازند هیچ اطلاعی از
اسلام و اهداف قوانین آن ندارند و با
خواندن چند آیه از قرآن و چند جمله از
نهج البلاغه و تفسیرهای جاهلانه و غلط
نمیشود اسلام شناس شد.



اصولی در اهداف اقتصادی تربیت

مکتب تربیتی اسلام تنها آزادی روح با توجه به ملکوت را هدف قرار نمیدهد ، به دنیا و زندگی آن بی اعتنا نیست ، حتی آنرا مقدمه زندگی آخرت تلقی میکند ، تربیت اسلامی فرد بدان خاطر نیست که افراد را به کناره‌گیری از زندگی مادی و اجتماعی وادارد به همانگونه که ترک معنویت و اخلاق ویا توجه به آخرت هم در آن فراموش نشده است .

ما قائل نیستیم که انسان نیاز به غذا و پوشاک و بهداشت و مسکن ندارد و تنها باید هوا بخورد و خدا خدا بگوید ، همه آنچه که در زندگی انسان بحساب طبیعت ، آسایش ، رفاه ، سرور و شادمانی آمده است مورد توجه میباشد ، ما اقتصاد را زیر بنا نمیدانیم ولی از نقش و اهمیت آن هم در زندگی غافل نیستیم ، در مکتب ما کوه و دشت و دریا ، زمین و افلاک مسخر انسانها نیستند و آدمی

اصول و مبانی تربیت اسلامی

دکتر علی قائمی

برحسب وظیفه مکلف به بهره برداری از آن-
هاست .

از سوی دیگر تربیت عامل نیرومند برای تحول اقتصادی است و اقتصاد هم عاملی برای ادامه حیات ، حفظ ایمان و عقیده و سیلهای برای نگهداری آبرو و شرف است . از دید مکتب ما هر مقدار درباره انسان ، ساختن و بعمل آوردن سرمایه گذاری شود بهدر نرفته است و بخشی از اهداف ما در طریق آماده سازی انسان برای بهره مندی از طبیعت و آباد کردن زمین است .

کلیاتی در اهداف اقتصادی :

هدف مادر این زمینه ایجاد یک نوآفرینی در فرد برای بهره مندی از مواهب این جهان پرورش عقل معاش یا قوه تدبیر زندگی در فرد ، آماده ساختن او برای آباد کردن زمین و بهره برداری از آن ، ایجاد تغییرات مناسب در پدیدهها ، آگاهی به ارزش پدیدهها و روش بهره برداری و حفظ آنها ایجاد زمینه برای جلوگیری از محدودیتهای طبیعی و موانعی که در سر راه آن قرار دارند کسب قدرت برای خرید ماهرانه ، توزیع عادلانه و مصرف معتدل و سالم ، انتخاب حرفهای مناسب و مهارت اساسی در آن برای کسب درآمدی مشروع ، سازندگی برای داشتن استقلال اقتصادی ، قرار دادن دنیا بعنوان مقدمه ای جهت آخرت ، طردستمگری

استثمار و استخدام بیجا ، طرد سلطه گری و سلطه پذیری ، طرد پول بعنوان عامل حاکمیت و سلطه ، تلاش برای داشتن یک زندگی بهتر ، کشف روابط علت و معلولی حاکم بر پدیدهها و تاثیر و تاثر آنها ، تکیه به پرورش نیروی انسانی لازم برای حیات بخشهای صنایع خدمات و کشاورزی جامعه ، طرد اقتصاد برای بعنوان عامل افساد و تخریب جامعه و سرانجام استفاده از کتاب بزرگ آفرینش ، یعنی جهان ، کتابی که همیشه پیش چشم ما گشوده و گسترده است .

چگونه فردی :

اینکه در جنبه اقتصادی چگونه فردی را میخواهیم پرورانیم پاسخ این است فردی که - درگرو سعی و تلاش خود باشد .
- مهارت لازم را برای بهره گیری از طبیعت داشته باشد .
- شغلی یا حرفهای را برای خود برگزیند (با متن نقش خود) .
- دراداره زندگی بتواند روی پای خود بایستد .
- بموقع کار کند و درگرو سعی و تلاش خود باشد .
- ارزش کار را دریابد .
- توزیعی عادلانه و مصرفی مشروع داشته باشد .
- از آنچه که در طبیعت است بتواند بهره

گیرد .

— آنچه را که بدست میآورد از آن خود بداند نه آنچه را که دیگران بدست میآورند
— کسبی ودرآمدی مشروع وشرافتمندانسه داشته باشد .

— تولید مفید داشته باشد (ازطریق اطلاعات حرفهای) .

— درانجام کار و شغل توفیق داشته باشد (کارآمدی حرفهای) .

— درزندگی اقتصادی تعادلی را رعایت کند .

— وبالاخره از لذائد و نعمت های جهان سود برد .

برای تفصیل بیشتر باین جنبهها توجه

درتولید :

— اصول مورد نظر ما عبارتند از :
— مشروعیت تولید .

— بهره برداری از زمین (گیاه ، حیوان ، جماد) .

— شناخت وکشف خواص عناصر .

— حسابگری وحسابرسی آنها از راه علوم وفنون .

— نگرستن بآن بعنوان یک وسیله نه هدف .

— شناخت قوانین حاکم برجهات که لاینغیرند (قانون تکرار ، تنازع ، تطابق)

— قراگرفتن درنظام تولید بعنوان یک مهره اساسی ولازم .

— عمومیت آن از مادی ومعنوی .

— سعی به تهیه مواد اولیه موردنیاز زندگی .
— سعی در بهره برداری بهتر وبیشتر .

— کوشش به کشف راههای بهتر برای استفاده از نعم الهی .

— تولید بیشتر برای غنی ترکردن زندگی .
— یادگیری فنون تولید وآموزش آن ب دیگران

در توزیع :

— اصول مورد نظر ما دراین زمینه عبارتند از :

— تکیه به جنبه عادلانه بودن آن .
— بهره مند ساختن جامعه از حاصل تلاش خود بصورت انفاق وصدقه .

— رعایت قسط وعدل در توزیع .
— توجه به توزیع نخست در بین اقربا و همسایگان .

— کوشش بکارتسن تفاوت بین طبقات فقیر و غنی .

— عدم کتز سعی در بجریان انداختن سرمایه .

— پذیرش حتی در اموال خود برای سائل و محروم .

— استفاده از درآمد برای توسعه امیدها و آرزوهای جامعه .

— سعی در بالا آوردن سطح جامعه .
— پذیرش مسئولیت شرعی واجتماعی در توزیع .

در مصرف :

_____ اصول و ضوابطی که در این
قسمت مورد توجه اند عبارتند از :

— تلاش بمصرف اندک ولی نه به حد اقتاد
— استفاده از طیبات و لذائذ مشروع .
— سعی در انفاق و پیرکردن خلاءهای اقتصادی
— مصرف برای ایجاد زمینه جهت شکفتگی
آرامش ، ارتقاء شخصیت مردم و بالا آوردن
سطح فرهنگ مردم .
— سعی در توسعه متعادل زندگی افراد تخت
تکفل .

— نجات خود و جامعه از ذلت ها و رذالت .
— رعایت اعتدال در مصرف و خودداری از
اسراف .

— صرف درآمد در طریق تعاون ، تعاضد و
تکامل اجتماعی .

— تصدق پنهان و آشکار ، در شب و روز .
— ایجاد یاقیات صالحات در جامعه .
— و بالاخره بکار بردن اصول عقلی در زمینه
تدارک و پیش بینی برای زندگی .

_____ در استقلال اقتصادی :

_____ اصولی که در این
زمینه مورد توجه است بدین قرارند :

— تأمین استقلال اقتصادی برای خود و جامعه
— کوشش به خودداری از کل بردیگران شدن

— تجهیز همه نیروها برای بحرکت درآوردن
چرخهای اقتصاد کشور .

— ایجاد تعدیل و تعادل در همه زمینهها از
کشاورزی و صنعت برای رسیدن بخودکفائی و
هماهنگی قدرتها در این بخش .

— حفظ ویژگیها و مختصات اقتصاد جامعه در
عین بهره‌مندی از پیشرفت ها و ترقیات روز .
— در نظر داشتن نیازهای اساسی جامعه
و متمرکز کردن تلاشها در آن زمینهها .

— سعی در خودکفائی وعدم وابستگی به غیر
در همه زمینههای اقتصادی .

— کسب مهارت لازم برای اداره نیکوی
زندگی .

— واداشتن باحترام واحساس لذت از کار و
استقلال .

_____ نوع کار و تلاش :

_____ نقطهها و اصول مورد نظر
در این جنبه بدین قرارند :

— ایجاد زمینه اتقان در تولید .
— انجام کارها در سایه تخصصها و مهارتها .
— کاری که در آن بندگی کسی نباشد .

— موجب دور داشتن فرد از وظائف شرعی و
خانوادگی نباشد .

— حاصلی روزمره و یاماهانه و سالانه داشته
باشد .

— بهره گیری از همه منابع موجود در زمین و

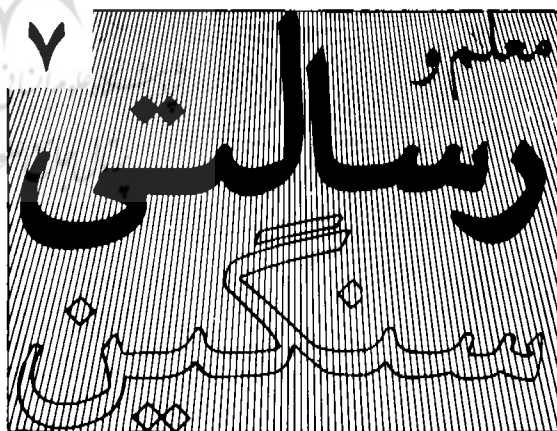
دلهای دانشخیز و پرشگایهای معلم نمونه

پیامبران الهی با رهبران دیگر جهان در نحوه گسترش و توسعه مرام خود اختلافات اساسی و بنیادی دارند یکی از امتیازات آنان اینست که در پیشبرد مقاصد الهی خود هیچگاه بزور و تهدید مومل نمیشدند بلکه با رعایت اصول اخلاقی و انسانی میکوشیدند راه نفوذ بر دلها را هموار سازند ، این سَلَّاحی که انبیاء برگزیده بودند از هر سلاح جنگی برندهتر بود چه با زور و تهدید تا مدت زمان معینی میتوان بر افراد حکومت راند بدون اینکه کمترین تغییر و تبدیلی در فکر و اندیشه آنان صورت گیرد ولی پیامبران با سلاح اخلاق تا اعماق دلها نفوذ کرده در کاشانه دل آنان جایگزین میشدند و چون بر دلهای آنان تسلط داشتند برای آنان انقلاب فکری بوجود آورده نار و بود اعتقادات آباء و اجدادی آنان را بنیاد میدادند .

این نفوذ یابی آنچنان ژرف و عمیق بود که پس از گذشت هزاران سال پیروان مکانیب الهی با تمام وجود و همتی خود از حریم قوانین و دستورات پیامبران دفاع و پاسداری مینمودند .

رسول خدا (ص) از جانب خدا برگزیده شده کنایی بنام قرآن بعنوان معجزه ارائه داده و معجزات عینی و خارجی متعددی از او بمنصه ظهور رسیده بود و جبرائیل انیس و همدم او بود معهذا پروردگار جهان رزمی پیروزی و موفقیت آئین او را در پرتو مکارم اخلاق او دانسته در سوره آل عمران در آیه ۱۵۹ میفرماید : فیما رحمه من الله لست لهم ولو كنت خطا غلیظ القلب لا نفصوا من حولک : بلفظ الهی با نرمی و ملایمت با آنان رفتار نمودی و اگر تو تند و خشن بودی هر آینه از دور تو پراکنده میشدند .

معلوم میشود که این نرمش و ملایمت نقش اساسی در گسترش برنامههایش داشته است



مجید رشیدپور

لااقل اگر عوامل دیگری نیز در این کار موثر بوده‌اند از همه مهمتر همان شیوه رفتار آن حضرت بوده است که بدان تکیه شده است و با الغاء خصوصیت میتوان چنین استنباط کرد که اصولاً نرمش و ملایمت یگانه عامل جذب و انجذاب است .

بامطالعه درآیات قرآن بخوبی مشهود میگردد که اصولاً راهنمایی و ارشاد انسانها و نفوذیابی در دل و جانها جز با نرمی و ملایمت امکان پذیر نیست و این راه و روش در همه ادیان الهی حکمفرما بوده است .

خداوند در سوره طه آیه ۴۴ بموسی و هارون میگوید با فرعون زمان که دعوی الوهیت کرده است بانرمی و ملایمت سخن بگوئید شاید او متذکر گردد : فقولاً له قولا لینا لعله يتذکر او یخشی .

پس از ذکر این مقدمه بخوبی آشکار می گردد که راه نفوذ معلم رعایت اصول اخلاقی است معلم از این رهگذر میتواند دل دانش آموزان را تسخیر کند والا با ارباب و تندوی و نمره میتوان شاگرد را تا مدت کوتاهی مطیع خود ساخت اما دل و جان او را هرگز نمیتوان تسخیر کرد .

ممکن است کسی بگوید معلم کارش درس دادن است او باید از نظر علمی غنی بوده باصو و فنون کلاسداری آشنا باشد دیگر نیازی باصو و اخلاقی ندارد .

در پاسخ باید گفت اگر معیار سیستم

کشورهای عربی باشد آنان نیز معتقدند که پرورش از آموزش نمیتواند جدا باشد معلم در ضمن تدریس بطور غیر مستقیم شاگردان را پرورش اخلاقی میدهد و اگر ملاک منطق اسلام باشد در اینصورت باید گفت اسلام پرورش را برآموزش مقدم داشته معتقد است که اول باید انسان شد و سپس بکسب علوم پرداخت بنابراین هیچ معلمی نمیتواند از خود سلب مسئولیت کرده خویشتن را از پرورش اخلاقی شاگردان برکنار دارد ، از این گذشته آموزش منهای پرورش درحقیقت تیغ دادن درکف رنگی مست میباشد ، در دوره طاغوت آموزش تنها سلاح برنده ای بود که در دست عدهای بی ایمان افتاده مال و عرض مسلمانان بغارت میرفت اگر بیمار مستمند بی بضاعتی به پزشک مراجعه میکرد و امکان پرداخت حق ویزیت دکتر را نداشت از معاینه چنین فرد بدبختی خودداری بعمل میآمد زیرا تخصص خود را از کشوری بدست آورده که روح مادگیری در سرحدات امکان در آنجا حکمفرما بوده است و چیزی که در آنجا ارزش نداشته روح ایمان و اصول انسانی بوده است .

وقتی بگذشته های تحصیلی خود برمیگردیم و معلمان خود را از نظر میگذرانیم آنکه از همه بیشتر باصو و اخلاقی پایبند بود در نظمان احترام بیشتری دارد نه آنکه بهتر درس میداده است .

بقیه در صفحه ۳۴



لزوم همفکری و همکاری فعال بین مسئولین مدرسه ، مربیان و معلمان با اولیاء دانش-آموزان از مسائلی است که مورد قبول و اقرار هر فردی است که مدتی را در مدارس بسا مشکلات و مسائل مختلف آن گذرانده باشد مخصوصا که کمبود امکانات و نیروی انسانی در حل و اجرای برنامه‌های آموزشی ، پرورشی ، فعالیتهای فوق برنامه ، بهداشتی ، تجهیزاتی و غیره را از نزدیک لمس کرده باشد ، علاوه بر موارد فوق ، ولایت و سرپرستی اولیاء بر فرزندانشان و لزوم هماهنگ شدن روشهای تربیتی در مدرسه و خانواده ، همچنین اطلاع آنها از حوادث و اتفاقاتی که در مدارس میافتد و چاره اندیشی برای رفع مشکلات تربیتی دانش-

فعالیت دسته جمعی در مدارس

محسن گلزاده

آموزان و از مسائل مهم هر واحد آموزشی است .

باتوجه به موارد فوق در اهمیت این موضوع ابهامی باقی نمیماند ، اما آنچه که در موقع عمل نقاط ضعف و توقف وبی میلی را در این مسیر بوجود میآورد ، آشنا نبودن به جزئیات وظرائف رفتاری و چگونگی مشخصات اینگونه همکاریها و فعالیتهای دسته جمعی است ، از آنجا که سابقه فعالیتهای دسته جمعی سالم در کشور ما زیاد نیست و مردم را بکارهای فردی و شخصی عادت داده بودند ، بلکه رقابتهای ناسالم را نیز بوجود میآوردند ، ولذا کمتر روحیه همکاریهای صمیمانه دسته جمعی در مدارس و جاهای دیگر وجود داشته است ، وبالطبع افراد با خصوصیات و عوامل پیشرفت وادامه این نوع همکاریها کمتر آشنا بوده وهستند .

دراین مختصر گوشه‌ای از عوامل استحکام و استمرار فعالیتهای دسته جمعی را تحت عنوان همکاری اولیاء با مربیان یا انجمن اولیاء و مربیان مدارس - بیان میکنیم ، باشد که با خودسازی و توجه بیشتر دراین زمینه کارآئی و راندمان انجمنها وسایر کارهای اجتماعی را بالا ببریم .

۱- اعتماد واطمینان متقابل :

اولین مسئله‌ای که بایستی در هرجمع هماهنگ وفعال وجود داشته باشد ، اعتماد و

اطمینان متقابل افراد نسبت بیکدیگر است . درانجمنهای مدارس ، از یک طرف مسئولین مدرسه باید از بین کسانی انتخاب شوند که آشنا بوظائف آموزشی وپرورشی و توانا برانجام این وظائف باشند وعلاوه بر دانشآموزان ، نسبت به بالا بردن سطح فرهنگ ودانش اولیاء آنها نیز علاقمنند باشند واین برنامه را مکمل وموثر در به نتیجه رسیدن فعالیتهای خودشان بدانند . بطوریکه اولیاء دانشآموزان نسبت بوظیفه شناسی ووارد بودن آنها معنقد باشند و با اعتماد واطمینان بمسئول مدرسه فرزندانشان را بدست آنها بسپرنند ودر جهت اجرای بهتر برنامه‌های مختلف مدرسه صمیمانه با آنان همکاری کنند .

ازطرف دیگر انتخابات انجمنها با دقت و توجه بیشتری از جانب اولیاء دانشآموزان انجام شود تا بدور از هرگونه شک وتردید وشائبه‌ای افراد انتخاب شده مورد اعتماد واطمینان مسئولین مدرسه واکثریت اولیاء باشند تا ادامه همکاری را میسر گردانند .

۲- توجه به اهداف :

یکی از دلایلی که انجمنها را به بیراهه وتوقف میکشاند ، عدم توجه باهداف ووظائف افراد در انجمن ومدرسه میباشد که با دخالتهای بیجا در وظائف ومسئولینهای طرفین ویا پرداختن به مسائلی که درحدود

وظائف آنها نیست ، وقت وامكانات خود را بیهوده مصرف میکنند و چون به نتیجه دلخواهشان نمیرسند از ادامه کار دلسرد میشوند .

در حالیکه همیشه باید اهداف ووظائف اصلی را در مد نظر داشت و قسمت اصلی وقت و نیرو را در همان جهت مصرف کرد و برای سایر اشکالاتی که احياناً در هر مدرسه وجود دارد در مراحل بعدی باهماهنگی مسئولین مربوطه وقت‌گزاری شود .

۳- برنامه ریزی :

همراه با توجه همیشگی با اهداف ووظائف بایستی مشکلات را بررسی کرد و اولویت ها را تعیین کرد و متناسب امکانات و نیروها برای حل آنها برنامه ریزی کرد و برای بهتر به نتیجه رسیدن باید از نیروهای اعضای انجمن ، اولیاء و دانش‌آموزان ، معلمین مدرسه ، افراد معتمد و خیر محل ، موسسات خیریه و نهادهائی که داوطلبانه ویا مسئولانه بحل چنین مشکلاتی کمک میکنند یاری گرفت پس از توجه با اهداف ، وظائف و برنامه ، نکات زیر را در عمل بایستی رعایت کرد :

۴- توجه به آراء و عقاید دیگران :

" دیگران را در پذیرفتن رای خود ناچار مکن ، پس کسی که برای نظر خود مغرور و

مستبد شد هلاک میشود " .

" آراء خود را با یکدیگر تبادل کنید تا رای و نظر صحیح و درست انتخاب شود " .

ایجاد محیطی صمیمی و پرتفاهم از اولین نکاتی است که باید در عمل بآن توجه داشت تا هریک از اعضا با کمال علاقه و آرامش ، عقاید ، نظرات و پیشنهادات خود را ارائه کند ، تبادل نظر بعمل آید و بهترین فکر و راه حل انتخاب شود ، و همه اعضا برای اکثریت بعد از مشاورات و توضیحات کافی احترام بگذارند .

۵- توجه به موقعیتها و تذکرات مناسب :

" تذکر و نصیحت در بین جمعیت باعث سرخوردگی و سرکوبی خواهد شد " .
" بد رفتار را با نیکوئی رفتار اصلاح کنید و با گفتار نیکو بخوبیها دلالت نمائید " .
در طول مدت فعالیت شرایط و موقعیتها ، اشتباهات و موانع مختلفی پیش می‌آید که هرکسی در مقابل این مسائل عکس‌العملی را نشان خواهد داد ، اما آنچه مهم است نحوه عمل و توجه به شرایط و موقعیتها است تا تذکر و راهنمایی انجام شده موثر و مفید افتد در این مورد بایستی حتی‌الامکان بصورت خصوصی و غیرمستقیم عمل شود ، در حالیکه اگر بدون توجه و با روش نادرستی انجام شود ، اگرچه با حسن نیت تذکر داده شود ، نتیجه معکوس و غیرمطلوبی خواهد داشت .

وصمیمیت موجب بهبود و پیشرفت کار
و نتیجه گیری بهتر خواهد شد .

ضمناً بایستی توجه داشته باشیم که اشتباهات و برخوردهای نادرست دیگران را با خویشتن داری و بردباری تحمل کنیم ، تا هم بتوانیم باعکس العمل صحیح آنها را متوجه اشتباهشان بکنیم و هم موجب ادامه فعالیت و همکاری گردیم .

۷- استفاده از تجارب و جدیت کامل :

" کسی که تجارب و آموخته‌های عملیش زیاد باشد ، گمراهی و فریفتگی او کمتر خواهد شد " .
" کسی که از حداکثر نیرو و تلاش استفاده

۶- خویشتن داری و برخورد نیکوداشتن :

" کسی که در پاسخگوئی سرعت و زرد از پاسخ نیکو دور ماند " .
" سبب و باعث ایجاد محبت خوشروئی و برخورد نیکو است " .
" کسی که با مدارا و نرمش رفتار کند ، موفق خواهد شد " .

از عوامل مهم استمرار و موفقیت در کار جمعی ، نرمش و برخورد نیکوداشتن با سایر اعضا است ، زیرا که خوشروئی و ملاحظت علاقمندی به همکاری و پیشقدم شدن در کارهای خیر را تقویت میکند ، حتی در مورد کسانی که موظف با انجام کاری هستند ، مدارا



بقیه در صفحه ۳۵

لَا اِيْمَانَ لِمَنْ لَا اِمَانَةَ لَهُ

آنکه امانت دار نیست ایمان ندارد .

پیامبر اسلام (ص)

امانت داری یعنی چه؟

تمام عمرش یکبار خیانت کرده باشد باو خائن می توان اطلاق کرد با اینکه با یک بار امانت داری نمیتوان کلمه امین را بکار برد .
در سوره یوسف آیه ۵۲ یوسف پس از درخواست تشکیل محکمه داوری گفت اینکار را من انجام دادم تا عزیز مصر بداند من در پنهان به زنی خیانت نکردم .
ذَالِك لِيَعْلَمَ اَنِي لَمْ اَخْنِ بِالْغَيْبِ

بدیهی است این امانت داری راجع به ناموس بود در موارد دیگری از قرآن درباره همسران نوح و لوط پیامبر آمده که آندو نسبت بمقام نبوت و پیامبری همسرانشان خیانت روا دانسته افشاگری کرده اطلاعات و اخبار را در اختیار دشمنان قرار میدادند .

امین بکسی گفته میشود که بمال و عرض و ناموس کسی خیانت نکرده باشد رسول خدا در دوره جاهلیت و آغاز اسلام در امانت - داری آنچنان شهره بود که او را به محمد امین لقب دادند در برابرش کلمه خائن وجود دارد و بکسی اطلاق میگردد که بنوعی در مال و عرض و مقام و موقعیت شخصی خیانت روا داشته باشد .

دانشمندان ادبیات عرب کلمه امین را که صفت مشبیه است بکسی اطلاق می کنند که صفت امانت داری در او ثابت بوده و سالیان سال هرگز از او خیانت دیده نشده باشد و کلمه خائن که اسم فاعل است دلالت بر حدوث میکند یعنی اگر شخصی در

خداوند در سوره تحریم آیه ۱۰ میفرماید کانتا نحت عبدین من عبادنا صالحین فخانتاهما یعنی: دوسن ازبندگان ما که صالح و شایسته بودند همسرانشان بآندو خیانت روا میداشند.

مسائله خیانت گاه آنچنان ربرکانه و با مهارت انجام می‌گیرد که بسیاری از مردم از انجام آن غفلت می‌ورزند دل خداوند که باعماق دلها و نیت‌های افراد آگاهی دارد از آنچه که چشمان خائن انجام میدهند با اطلاع است در سوره آیه میفرماید يعلم خائنه الاعین و ما تخفی الصدور خداوند بدانچه که درسینه‌ها پنهان است وچشمان خیانت‌کار آگاه است.

نشانه‌های ایمان راستین

از فرمایش رسول خدا (ص) که فرمود آنکه امانت‌دار نیست ایمان ندارد چنین استفاده میشود که اساساً فردی که امین نبوده خیانت‌کار است اصلاً "ایمان ندارد چه ایمان با خیانت سازگار نمیشد.

دربرخی از روایات معیاروملاک سنجش و ارزیابی شخصیت ایمانی افراد هیچگاه بر محور نماز و روزه و حج قرار داده نشده است و گفته شده که نمازوروزه پس‌از مدتی جزءعادات شده و ممکن است اصلاً" ارتباطی با ایمان واقعی نداشته باشد در شناخت ایمان راستین باید براسنگوئی و امانت‌داری افراد نکیه کرد.

امام محمدباقر علیه‌السلام میفرمود: لا تنظر والی کثره صلوتهم و صومهم و کثره الحج ولکن انظر والی صدق الحدیث واداء الامانه

نمازهای زیاد و حج و روزه خنگیرید بلکه راستگوئی و امانت‌داری توجه کنید.

عده‌ای از دانشمندان اظهار عقیده کرده‌اند که منظور از نفی ایمان اساس ایمان نیست بلکه نفی ایمان کامل است ولی با همه اینها باز درجه و ترتیبی از ایمان دراتر خیانت کاری نفی میگردد.

امام جعفرصادق میفرمود: امانت‌داری آنچنان اهمیت دارد که خداوند تمام پیامرانی را که مبعوث فرمود دو صفت اساسی را دارا بودند اول راستگوئی دوم امانت‌داری لذا در قرآن تواءماً" کلمه رسول با کلمه امین آورده شده است.

قال الصادق: ان الله لم یبعث نبیا حط الا بصدق الحدیث و اداء الامانه الی البر و الفاجر.

امانت‌قائل پدرم را برمیگردانم

نکته جالبی که از ذیل این روایت استفاده میشود اینست که در امانت‌داری چیزی که اصلاً" مطرح نیست اینست که صاحب امانت چهکسی است پس بطور مطلق باید امانت‌ها را بصاحبان آن رد کرد خواه

بقیه در صفحه ۴۲

ن کودکان و نوجوانان

پیرامون مفهوم کلمه اخلاق و آنچه در جهت تربیت اخلاقی کودکان منظور نظر اعضاء این سمینار است ، قطعاً بطور مفصل صحبت شده ، بی مناسبت نیست در اینجا مفهوم رشد و رشد اخلاقی بیان شود .
تعریف رشد : رشد عبارت از تغییرات تدریجی و مستمر توأم با تکامل و پیشرفت است ، وجنبه‌های مختلف دارد که عبارتند از رشد جسمی ، روانی ، عقلی ، اجتماعی و اخلاقی .



رحمت‌الاصالحی

رشد اخلاقی چیست؟ کودک ابتدا نسبت با امور اخلاقی بیطرف است، خوش اخلاق یا بد اخلاق نیست و منظور از خوش اخلاقی یا بد اخلاقی آن نیست که در عرف مردم گفته میشود خود را نمیشناسد درکی از خود ندارد وجدان اخلاقی، یعنی تمیز بین خوب و بد در او به وجود نیامده معیاری حاکم بر رفتار او نیست. در اثر گرسنگی احساس نامطبوع دارد و در اثر سیری احساس لذت، از اینجا پایه و اساس شخصیت و رشد اخلاقی طفل ساخته میشود، اگر مدتی منتظر غذا یا شیر مادر باشد و دستگاه عصبی سالم داشته باشد بتدریج این احساس مطبوع یا نامطبوعی را میتواند در خاطر خود نگاهدارد، خوب و بد نیز همین احساس مطبوع و یا نامطبوع بودن است، کودک در این زمان تابع عواطف ساده است و عمل او جنبه اخلاقی ندارد.

وجدان اخلاقی کودک در اثر تماس با والدین و سایر بزرگسالان رشد میکند، در این جا لازم است اشاراتی به نقش والدین در زمینه رشد اخلاقی بشود.

نامحدود باعث میشود که فرق خوب و بد و سنجش و مقایسه برای کودک مفهومی نداشته باشد، سختگیری بی حساب هم همینطور است والدین وظیفه دارند اعمال خوب را تشویق و تائید کنند، اعمال مخالف میزان - های صحیح را مورد تنفر قرار دهند و اما میزانهای صحیح کدام است بحث جداگانه و اجمالاً در این سخن اشاره‌ای میشود، بمحض اینکه کودک، کم و بیش خوب و بد را تشخیص دهد، باید بتوسعه وجدان اخلاقی او همت گماشت اما متوجه باشیم که عمل ما یکنواخت باشد، حرف و عمل خوب همیشه برای طفل خوب باشد نه اینکه یکجا دروغگوئی را زشت و ناپسند بدانیم و باز جای دیگر دروغ بگوئیم و کودک شاهد باشد و توجیه کنیم که دروغ مصلحت آمیز است، کودک در رفتار خود ابتدا از والدین تقلید میکند و بعد از گروه همسن که ذیلاً چگونگی آن بیان خواهد شد.

نقش گروه همسن :

اینکه میگوئیم گروه همسن یعنی افرادی که از نظر سن و تاحدودی قدها و علائق و رغبتها مشابه هستند و فعلاً سخن از استعدادها و مشابهت آنها نیست و بیشتر روی علائق و رغبتهای تکیه میکنیم بدان جهت که بسیاری از نوجوانان و جوانان هستند با افراد گروه همسن که دارای رغبتها و علائق متفاوت هستند سازگاری ندارند، پس سن تنها مطرح

از سه سالگی به بعد و گاهی هم چند ماهی زودتر کودک متوجه میشود که بعضی از اعمال او مورد توجه و علاقه و برخی مورد تنفر والدین است، ارتباط والدین با کودک در رشد اخلاقی او تاثیر میکند، کودکانی که آزادی بی قید و شرط دارند و این امر ممکن است در اثر علاقه شدید والدین با کودک باشد در زمینه اخلاقی کمتر رشد میکنند، آزادی

نمود میزانهای گروهی در رفتار افراد در هر دوره شکل خاصی است ، قبل از بلوغ و در

نیست .
از احتیاجات اساسی اسان نعلق



دوره بلوغ بستگی افراد بگروه همسن زیاد است ، در این زمان میزانهای گروهی بشدت اعمال و رفتار فرد را کنترل میکند ولی هرچه فرد بیشتر رشد میکند تصمیمات خود را مستقل به معرض اجرا میگذارد در پنج سال اول زندگی بستگی کودک بخانواده محکم است و ارتباط گروهی بیشتر جنبه بازی دارد و ما میتوانیم در این سنین از طریق بازیهای ساده که جنبه آموزشی و اخلاقی نیز داشته باشد بچهها را بسوی همکاری و تعاون راهنمایی کنیم .

بچهها در این سن از همدیگر تقلید میکنند و این مطلب از جهت اخلاقی و آموزش مذهبی

و وابستگی بگروه است بجهدهائی که از گروه خودشان طرد میشوند یا نخواهند با آنها مناسبت داشته باشند خود را نالایق فرض میکنند و ممکن است اضطراب (بمفهوم صحیح روانی و تربیتی) در آنان ایجاد شود ، در سالهای اول زندگی پدر و مادر و برادر و خواهر افرادی هستند که بچه بآنها نعلق دارد ، افراد گروه همسن کمک میکنند تا کودک یا نوجوان بخویشتن شناسی برسد غالباً فرد متوجه رفتار خود نیست ، گروه اعمال او را در موقعیتهای مختلف میبیند و قضاوت میکند ، بستگی فرد بگروه در دوره های مختلف رشد تفاوت دارد همچنین

فوق‌العاده اهمیت دارد .

بندریج که بچه‌ها بزرگ میشوند دوست دارند بیشتر تمایلات گروهی را حفظ کنند ، اگر میان معیارهای گروهی و آنچه مورد قبول اعضای خانواده است ، تضاد حاصل شود ، بچه می‌خواهد آنچه مورد تمایل گروه است حفظ شود ، معیارها و میزانهای گروهی ناسن بلوغ در حال پیشرفت است میزانهای گروهی وضع بچه را در مقابل بزرگسالان مشخص میکند ، غالباً میزانهای گروهی با آنچه مورد توجه معلم و والدین است فرق دارد و گاهی مخالف آنها است میزانهای گروهی نشان وحدت و همبستگی آنها است و رعایت آنها از طرف بچه از شش سالگی به بالا دلیل تمایل بچه بدائی از والدین ، استقلال و پیروزی از کارهای قهرمانها و رهبران گروه است ، پیروی از این معیارها ممکن است در نظر بزرگسالان بی‌منطق جلوه کند اما این بیوندها در رشد اجتماعی و عقلانی و اخلاقی بچه‌ها در جهت مثبت موثر است و امکان دارد در جهت منفی نیز تاثیر داشته باشد .

وقتی بچه وارد دبستان میشود ، اولین عامل مورد توجه گروه موفقیت او در اجرای نقش جنسی است و منظور آن است که اموری را اجرا کند که از لحاظ دختر یا پسر بودن جامعه بعهده افراد قرار داده است .

در ابتدای ورود به دبستان بچه با دو دسته افراد روبرو میشود ، از یکطرف با افراد همسن خود که از لحاظ تمایلات ، لطفاً "ورق بزنید

احساس جمعی و یا جمع بودن در بچه‌های کوچک زیاد دوام ندارد و از طرفی میزانی هم ندارد و بیشتر تابع میزانهای بزرگترها است و از این جهت رابطه بچه در این سن با گروه جنبه اجتماعی ندارد جو عاطفی خانواده و طرز تربیت والدین در ارتباط کودک بسیار همبازیهای او تاثیر دارد ، شخصیت اجتماعی کودک قبل از ورود به مدرسه در خانه پایه‌گذاری میشود .

کودک در ارتباط با افراد همسن متوجه نظر والدین است و آنچه مورد نائید و تشویق ایشان باشد انجام میدهد ، بچه‌ها وقتی با دیگران تماس پیدا کردند منوجه میشوند که بعضی اعمال و رفتار آنها مورد نائید گروه است و بعضی مورد مخالفت ، و احیاناً با عکس‌العملهای شدید روبرو میشود ، در نتیجه مقداری از اعمال ثابت میماند و برخی دچار تحول و تغییر سریع میگردد ، اینجا است که هرچه زیربنای دینی و اخلاقی بچه‌ها محکم باشد بجای تحت تاثیر واقع شدن ، دیگران را تحت تاثیر قرار میدهند ، بچه‌هایی که پیشتر وقت خود را با سالمندان صرف میکنند در ایجاد ارتباط با افراد همسن دچار اشکال میشوند و گاهی نیز طرد میشوند بچه‌ها از مصاحبت با یکدیگر لذت ببرند و ارتباط و تفاهم مشترک میان آنها با ساسی صورت میگیرد هوش و جاذبیت شخص در ایجاد رفاقت میان کودکان موثر است .

رغبته‌ها و احتیاجات تقریباً با او یکسان هستند ، ایجاد ارتباط و هم‌آهنگی با این دسته برای بچه چندان دشوار نیست و مسرت بخش هم هست دسته دوم معلمان و اولیاء مدرسه هستند ، تجربیات و توقعات این دسته برای بچه شبیه والدین است و وضع آنها با گروه همسن تقریباً مغایرت دارد ، اگر معلم بصیر و آگاه باشد و در جهت گروه همسن اما بطرز شایسته و اخلاقی عمل کند بچه دچار اشکال نمی‌شود برای او تضاد حاصل نمی‌شود نظر باین که چند مرتبه کلیه تضاد را بکار بردیم مفهوم آنرا از نظر روانشناسی شرح می‌دهیم .

وقتی فرد در مقابل یک یا چند محرک ناسازگار قرار می‌گیرد دچار تضاد می‌شود ، گاهی تضاد در اثر برخورد میزانهای اخلاقی با تمایلات فرد حاصل می‌شود .

در موارد خاصی میان آنچه معلم انتظار دارد و آنچه گروه دیکته میکند اختلاف و تضاد موجود است .

رهبری گروه : معمولاً بچه‌هایی که از لحاظ هوش و آشنائی به مهارتهای اجتماعی و پاره‌ای خصوصیات دیگر بر سایر بچه‌ها برتری دارند ، نقش رهبری گروه را بعهدہ می‌گیرند پیروی فرد از رهبر گروه اجباری است ، دستور رهبر بدون چون و چرا اجرا می‌شود ، رهبری را افراد خوش خلق ، مسن تر ، بزرگتر با قدرت تخیل زیادتر بعهدہ می‌گیرند

چقدر خوب است که نقش رهبری را بچه‌هایی بعهدہ بگیرند که از دید دین و مذهب (اسلام و تشیع) تربیت کافی شده باشند .

رهبر عامل حل اختلافات گروه است ، او قضاوت میکند ، اختلافات را حل و فصل میکند پدر و مادر غالباً میل ندارند بچه‌های آنها از دستورات رهبر گروه پیروی نمایند و این امر سبب ناراحتی بچه‌ها می‌گردد گاهی هم کجرفتاری میکنند ، حالت بی‌اعتنائی بخود می‌گیرند و کارهای نهوآمیز که دلیل بر مخالفت با والدین است انجام میدهند ، گاهی ارزشهای مورد توجه سالمندان را به باد مسخره می‌گیرند اما آنچه را که مورد تأیید گروه است صحیح و اخلاقی می‌پندارند .

میزانهای سالمندان نمیتواند وسیله سنجش اعمال بچه قرار گیرد ، بچه در گروه احساس میکند که مشکلات بچه‌های دیگر هم مانند مشکلات اوست ، این امر تا حدی ناراحتی او را کاهش میدهد ، میبیند که بچه‌های دیگر هم در برخورد با والدین و معلم مثل او رفتار میکنند ، بچه بسیاری از احتیاجات را بوسیله گروه تأمین میکند ، گروه فرصت ابراز شخصیت را برای بچه ایجاد میکند بآسانی برای رفقای خود حرف می‌زند ، توضیح میدهد و عقیده خود را ابراز میدارد ، بسیاری از خصوصیات اخلاقی را در گروه می‌آموزد ، طرز بروز و کنترل عواطف خود را می‌آموزد ، گاهی بانکای گروه تن بکارهای

تمسک به قرآن و نهج البلاغه توسط منافقین و منحرفین

درحقیقت تمسک به قرآن و نهج البلاغه برای کوبیدن اسلام و قرآن است تا راه را برای رهبران غربی و شرقی خود بازکنند و شما جوانان عزیز و سرمایه‌های کشور را برضد مصالح کشور خودتان بسیج نمایند ای جوانان عزیز هشیار باشید و با فکر و تعقل فعالیت این منافقین بلندگوی غرب و منحرفین بلندگوی شرق را بررسی نمائید.

بزرگترین دلیل بربطلان راه منافقین و منحرفین

امروز بزرگترین دلیل بربطلان راه آنان همبستگی تمامی نیروهای ضدانقلاب و کوشش همه آنان در مخالفت با جمهوری اسلامی است که خواست ملت می‌باشد و ملت مجاهد و شریف جان خود و فرزندان عزیز خود را فدای تحقق آن کرده و میکنند اینان همان اندازه دردعوی اسلامی بودن خود صادقاند که در دعوی مخالف با امریکا که اکنون صداقتشان در دامن غرب و طرفداری بی‌چون و چرای غرب از آنان به ثبیت رسید و همان اندازه دردعوی طرفداری از ملت راستگو که صداقتشان در کشتار خلق مستضعف و آتش‌زدن دراموال ملت و غارت بانکها ثابت گردید اینان از اول تا کنون اسلام را وسیله اهداف شوم خود کرده و قرآن و نهج البلاغه را بیازی

گرفتند و جوانان پاکدل را به دام خود انداخته بودند تا جوانیشان را درراه اهداف استعماری آنان به تباهی کشند و باز ناکید میکنم پدران و مادران این کودکان معصوم و جوانان بی‌تجربه کوشش کنند و جوانان و عزیزان خود را از این مهلکه که دنیا و آخرت آنان را تباه میکند.

ملت باید جوانان و نونهالان را ازشر منافقین امریکائی نجات دهند

نجات دهند و ملت مبارز و متعهد با هوشیاری و پشتکار جوانان و نونهالان را که سرمایه و مخازن ارزشمند کشورند ازشر این منحرفین امریکائی نجات دهند فردا انشاء

— الله تعالی دبستانها و دبیرستانها و مراکز نوآموزها باز و بکار مشغول میشوند و بخواست خداوند بزودی شاهد بازگشائی دانشگاهها خواهیم بود و دانش‌آموزان بدانند که گوش‌دادن به مقاصدشوم منافقان و منحرفان آنان را از مدارس محروم خواهد کرد و اجازه اخلال در امور مدارس به کسی داده نخواهد شد از خداوند متعال بیداری و هشیاری هرچه بیشتر نسل جوانان را خواستار و رشد و تعالی علمی و اخلاقی آنانرا خواهانم.

والسلام علی عبادالله الصالحین

روح‌الله الموسوی‌الخمينی

۳۱ شهریور ۱۳۶۰